

سیمای سینمای کودک و نوجوان در گفت‌وگو با ابراهیم فروزش:

باید به فیلم‌دیدن عادت کنیم



فرانک آرتا

ابراهیم فروزش، سال۱۳۴۹ فعالیت سینمایی خود را در مسند مسؤول امور سینمایی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تهیه‌کننده اجرایی بسیاری از فیلم‌های کانون آغاز کرد. سال۱۳۵۲ فیلمنامه فیلم کوتاه «سیاه پرند» را نوشت که آن را مر ترضی ممیز کارگردانی کرد؛ ضمن اینکه برخی از فیلمنامه‌های انیمیشن علی‌اکبر صادقی، عبدالله علیمرداد و... را نیز به رشته نگارش درآورد. در فاصله قبل و بعد از انقلاب، فیلم‌های کوتاه و مستند متعددی ساخت. نخستین فیلم سینمایی‌اش، «کلید»، را در سال۱۳۶۵ کارگردانی کرد. او در کارنامه هنری‌اش بیش از ۵۰جایزه بین‌المللی دارد. غیر از «کلید»، فیلم‌های «خمره»، «مرد کوچک»، «پچه‌های نفت»، «هامون و دریا»، «زمانی برای دوست‌داشتن»، «سنگ اول» و «شیر تو شیر» حاصل فعالیت‌های دیگر اوست. سال گذشته به عنوان یکی از اعضای هیات انتخاب بخش بین‌الملل «بیست‌وهفتمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان» حضور داشت. امسال هم در آستانه بیست‌وهشتمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان سراغش رفتیم تا مختصات سینمای کودک امروزی را بررسی کنیم.

۴ این روزها به برگزاری بیست‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان نزدیک می‌شویم. می‌خواستم بدانم سیمای سینمای کودک و نوجوان را چطور می‌بینید؟

برای اینکه بدانیم الان چه هستیم و در کجا قرار دادیم، مجبوریم به گذشته اشاره‌ای کنیم. جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان پیش از انقلاب هم وجود داشت و در ده‌الف جشنواره‌های بین‌المللی قرار گرفت. در واقع سینمای کودکان و نوجوانان پیش از انقلاب به واسطه فعالیت مستمر کثون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نرفته‌ها در حاشیه قرار نداشت، بلکه در بطن سینما بود. خیلی اوقات هم از نقطه‌نظر هنری و ملی درسطح بین‌المللی حیثیت ما را حفظ کرد. خوشبختانه این موفقیت‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم ادامه پیدا کرد. بنابراین فی‌الفسه وجود جشنواره و برگزاری آن تا ۲۸دوره اتفاق مبارک و میمونی است. هرچند به نظر می‌رسد جشنواره بیشتر به کورسویی می‌ماند که هر لحظه ممکن است خاموش شود که البته باید ههمان تلاش کنیم تا آن حفظ شود، ولی اگر کاری کنیم که شملهور شود چه بهتر! منتها سیاست‌گذاری و مدیریت جشنواره در کیفیت آن تاثیر بسزایی دارد. چون حضور فیلم‌ها در جشنواره در اصل، فرهنگ‌سازی می‌کند و می‌تواند مخاطبان را با دنیای امروز از طریق فیلم آشنا کند. باعث می‌شود با جغرافیا و فرهنگ کشورهای دیگر آشنا می‌شویم و بعد هم می‌توانیم تاثیرات مثبتی از آن فرهنگ‌ها بگیریم. درواقع جشنواره، مرکز تبادل فرهنگی است.

۴ البته طی دهه‌های ۶۰ و ۷۰خورشیدی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آثاری تولید شد که به قول معروف حرمت این نوع سینما را حفظ کرد و ماندگار شد، ولی این روند دیگر ادامه‌دار نشد. نظر تان دراین‌باره چیست؟

می‌توان ادعا کرد در آن دوران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سینمای ایران را متحول کرد و برای فیلمسازان بزرگی همچون عباس کیارستمی، ناصر تقوایی، امیر نادری، داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی و دیگرانی که حرفی برای گفتن داشتند، فرصتی فراهم آورد تا بتوانند دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود را در قالب فیلم‌های پيش‌رویی که می‌ساختند، مطرح کنند که در زمان حاضر نیز شاهد آن هستیم که چه آثار درخشانی بوده‌اند.

۴ که البته خود شما هم یکی از آن افراد هستید. اما اگر به این نکته اعتقاد داشته باشیم که به هر حال این آثار در جاهایی مثل جشنواره‌ها دیده و موردپسند واقع شدند و آنچه مسلم است، این است که برگزاری جشنواره فیلم، تشویقی و ترغیبی برای فیلمسازان فیلم کودک و نوجوان است و مهم‌تر از آن فرصتی است برای کشف خلاقیت‌ها که مورد اخیر در برخی دوره‌های جشنواره نادیده گرفته شده و البته آن هم به دلیل مشکلات تولید فیلم کودک است. نظر تان چیست؟

البته باید بگویم مساله جشنواره، بهانه‌ای است تا بحث و فحص کنیم که در طول یک‌سال در عرصه سینمای کودک چه کرده‌ایم. اما یادمان باشد جشنواره نمی‌تواند برای تولید فیلم کودک تعیین‌کننده باشد.

۴ از چه نظر؟

از این‌ نظر که همه‌جای دنیا جشنواره‌ها فقط محل نمایش فیلم‌ها هستند و مراحل تولید باید قبل از آن اتفاق افتاده باشد. به همین دلیل جشنواره فقط ویرتین و پایگاهی برای دست اندرکاران سینماست که فیلم‌هایشان مورد قضاوت و داوری قرار گیرد و از آنجا که عنوان بین‌المللی را یدک می‌کشد، فیلم‌های ایرانی در کنار فیلم‌های خارجی به نمایش درمی‌آیند و با آثار روز دنیا مقایسه می‌شوند و از این نظر بررسی است که کیفیت فیلم‌های سینمای ایران در مقایسه با فیلم‌های خارجی چگونه بوده. از سوی دیگر هم تولیدات سینمای ایران راکد نمی‌ماند و برایش فرصتی فراهم می‌شود که دستاوردهایش را در معرض دید قرار دهد.

۴ اما حتما خودتان می‌دانید که سینمای کودک امروز ما با دهه ۶۰خورشیدی که به اصطلاح سال‌های طلایی این سینما بوده، اصلا قابل مقایسه نیست. از نظر شما علت این افت در کیفیت و حتی کمیت چیست؟

به طور کلی اوج و افول فیلم‌های سینمای ایران به مجموعه عواملی بستگی دارد که در این مسیر فیلم‌های کودک هم مستثنا نیست. بگذارید به نکته جالبی اشاره کنم. چندی‌پیش در جایی خواندم جمعی از منتقدان سینمای ایران که در حقیقت کارشناسان سینمایی هستند طی نظرخواهی از میان کل آثار سینمایی کودک و نوجوان، بهترین‌ها را انتخاب کرده بودند و

درنهایت به سه‌اثر رسیدند؛ «پاشو،

غریبه کوچک» به کارگردانی بهرام

بیضایی، «ودنده» به کارگردانی امیر

نادری و «خانه دوست کجاست» به

کارگردانی عباس کیارستمی...

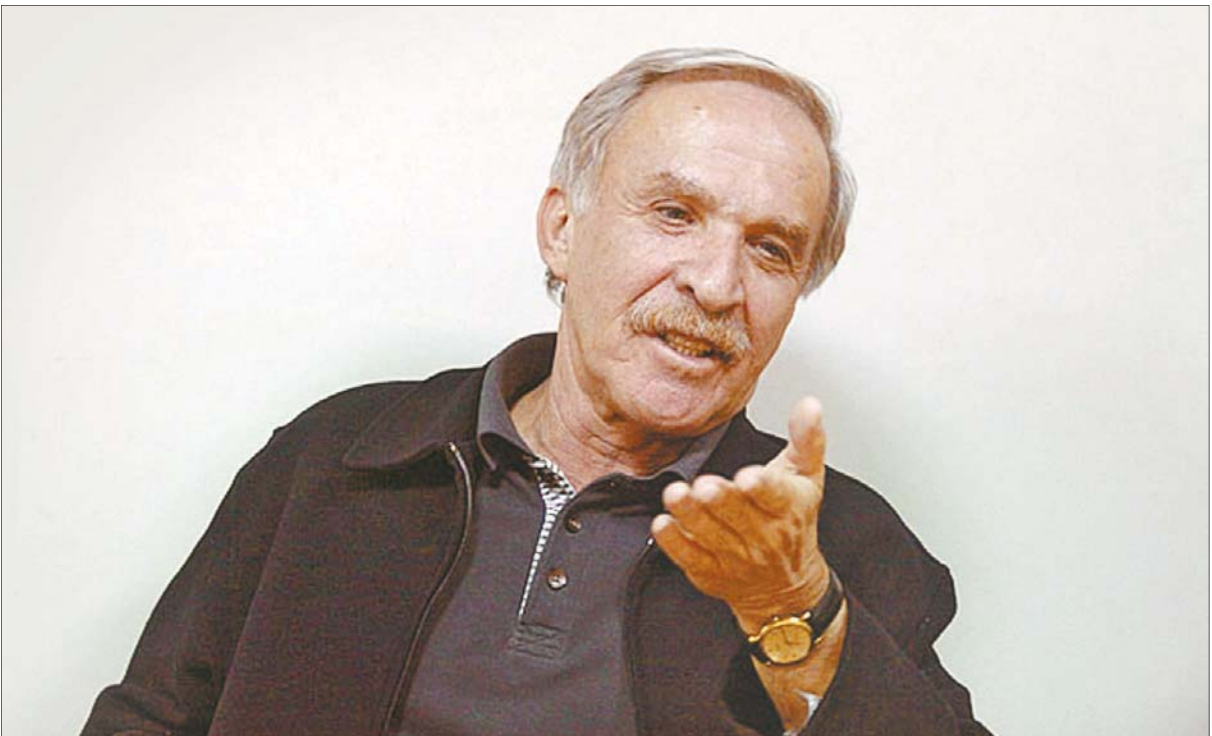
۴ که هرسه فیلم محصول دهه ۶۰هستند!

بله و مهر تاییدی بر ساخت

این فیلم‌هاست. حال این پرسش برایم قابل طرح است چه اتفاقی افتاده که ساخت فیلم‌های خوب در گذشته اتفاق افتاده و متعلق به زمان حال نیست؟ ظاهرا دوران مششع سینمای ایران در دهه ۶۰ بوده و حالا چرا دیگر تکرار نشده؟ به این نتیجه رسیدیم در آن سال‌ها چه اتفاقاتی افتاده تا با این نوع آثار روبه‌رو شدیم؟ وقتی دنبال این قضیه را بگیریم به نتیجه خواهیم رسید.

۴ خوب، در این مورد تحلیل شما چیست؟

به نظرم مدیریت سینما در آن زمان در سیاستگذاری کلان خود خط استمرار را پیش می‌برد و نشان می‌داد برای سینمای ایران و البته فیلم کودک ارزش قابل است. حتی در آن زمان مدیران دولتی به سینمای کودک به عنوان وظیفه ملی نگاه می‌کردند. به طوری که این قضیه ریشه‌ای و اساسی نه‌ادینه شد. مرسوم است با تعویض هرمدیری، مدیریت سینما دچار افت‌وخیز شود. چون تغییر مدیر، تغییر مدیریت به همراه دارد. اما در آن دوره مدیران حتی به استمرار بودجه هم توجه داشتند تا مدیر بعدی با مشکل اعتبارات روبه‌رو نشود. مدیر بعدی هم می‌آمد سلیقه‌ای برخورد نمی‌کرد و همه چیزنظام‌مند پیش می‌رفت و دولت هم حمایت می‌کرد.



۴ حالا باید پرسید چرا وضعیت تولید فیلم کودک

بعد از دهه ۶۰ دیگر مورد اهمیت قرار نگرفت. اصلا اشکال در کجاست که چنین شد؟

حتما می‌دانید که بعد از دهه ۶۰ تعداد جمعیت جوان ما افزایش پیدا کرد. جامعه پیشرفت و حتی در مقایسه با کشورهای دیگر تکنولوژی سینمایمان پیشرفت کرد. جذابیت‌های سینمای کودک بیشتر شد. فیلم ویدیویی و بعد سسی‌دی‌های مختلفی آمد. کمپیوتر وارد دنیای کودکان شد. ابزارهای مدرن برای بازی کودکان وارد بازار شد و خلاصه به تبع تغییر دنیای پیرامونمان، زندگی‌ها هم دستخوش تحول شد. اما مهم این است که به سینمای بومی توجه کنیم و مطابق با فرهنگمان این مقوله را مورد واکاوی قرار دهیم.

۴ به نظر شما دلیل عدم پیگیری این روند چیست؟

پراختن به این موضوع و آسیب‌شناسی آن نیاز به یک بحث مفصل دارد، اما یکی از دلایل کم‌رنگ‌شدن سینمای کودک این است که مدیران آنطور که شایسته است به این ژانر از سینما بها ندادند. البته همین‌جا عرض می‌کنم منظور لزوما به این معنی نیست که مدیران ما سوءقصد و غرض‌ورزی داشتند. اصلا منظور غرض‌ورزی نیست. منتها وقتی کسی مریض می‌شود باید به پزشک مراجعه کند. برای حل این معضل هم باید از نظرات کارشناسان کمک گرفت که در برخی موارد این مساله نادیده گرفته شد.

۴ البته وقتی می‌گوییم مدیران، حتما مدیران سینما

از آن مستفاد می‌شود؛ در حالی که بحث فرهنگ فقط به وزارت

فرهنگ و ارشاداسلامی محدود نمی‌شود. نهادهای دیگر هم باید همراه‌باشند.

کاملا. خب، یکی از آن نهادهای وزارت آموزش‌وپرورش است که با نظارت مربیان خود دانش‌آموزان را تشویق به دیدن فیلم‌کند و همین مساله استمرار فرهنگی را به دنبال خواهد داشت. در سینما باید این نکته موردتوجه واقع شود که اگر دولت حمایت مستدام و مداوم داشته باشد، دیدن فیلم‌ها به نوعی عادت تبدیل می‌شود.

۴ ما که می‌گوییم قرار است سینما به سمت بخش خصوصی حرکت کند. بخش خصوصی در این میان چه وظیفه‌ای بر عهده دارد؟

دولت باید بستر و شرایط مناسب را به وجود آورد تا بخش خصوصی ترغیب شود. یادمان باشد مناسبات در بخش خصوصی خیلی جدی و تخصصی است. از ابتدا تا انتهای کار همه‌چیز باید کارشناسی شود، چون بحث سرمایه به میان می‌آید.بنابراین بخش خصوصی هم می‌تواندفعالیت‌هایی داشته‌باشد.اما این فعالیت‌ها براساس نظام عرضه و تقاضاست. طبیعی است که نگران بازگشت سرمایه‌اش باشد. چون با بازگشت سرمایه می‌تواند به فیلم بعدی‌اش فکر کند و اساسا تداوم و حیثیت را ضمانت می‌کند. آنچه مسلم است این است که ساخت فیلم‌های کودک و نوجوان یک حمایت عمومی و به‌خصوص دولتی را می‌طلبد تا چرخ‌هایش، آنطور که باید و شاید بگردد. اگر می‌بیند که ۱۰ یا ۲۰سال پیش سینمای کودک ما

هنر

«ماهی و گربه» به اسپانیا می‌رود

شرق: فیلم سینمایی «ماهی و گربه» به کارگردانی شهرام مکری و تهیه‌کنندگی سپهر سیفی در بخش رقابتی چهل‌وهفتمین دوره جشنواره «سیتگس» اسپانیا به نمایش در می‌آید. در این جشنواره ۱۵فیلم در بخش رقابتی حضور دارند که «ماهی و گربه» با فیلم‌هایی مثل «آخرین» ساخته کیم کی دوک و جیمز فولی به رقابت خواهد پرداخت. در بخش غیررقابتی این جشنواره مهم‌ترین فیلم‌های سال گذشته از جمله «لوتان» به کارگردانی زویاگینتسف، «دو روز و یک شب» به کارگردانی برادران دارن، «خواب‌زمنستانی» ساخته نوری بیلگه جیلان و سایر فیلم‌هایی که اکثرا نمایندگان کشورشان برای جایزه اسکار هستند، به نمایش درمی‌آیند.

جشنواره سیتگس یکی از قدیمی‌ترین فستیوال‌های فیلم اسپانیا است. «ماهی و گربه» محصول ایران‌نوین فیلم بلافاصله بعد از این فستیوال در جشنواره ونکوور کانادا به نمایش درخواهد آمد. فیلم سینمایی «قصه‌ها» دیگر محصول ایران‌نوین فیلم هم در این جشنواره حضور دارد.

تعداد حضورهای بین‌المللی فیلم «ماهی وگربه» نزدیک به ۴۰ حضور است که از دوره ۷۰ فستیوال ونیز شروع شده و پس از آن در فستیوال‌های معتبری چون کارلووی واری، روتردام، پوسان، استانبول، نیویورک و... به نمایش درآمده است. «ماهی و گربه» از اواسط مهرماه در گروه هنر و تجربه به نمایش درمی‌آید؛ بخش بین‌المللی این فیلم را محمد اطیابی برعهده دارد.

تاریخ سینما

از «فیلمخانه ملی ایران» چه خبر؟

بیش از ۱۵سال است بحث انتقال فیلمخانه ملی ایران که در حال حاضر در ساختمان وزارت ارشاد واقع شده، مطرح است و برنامه‌ریزی‌های مسؤولان براین است که تا پایان اسمال فیلمخانه ملی به ساختمان جدید خود در محله باغ‌فردوس تهران منتقل شود. ایسنا در گزارشی با بررسی تأخیر در آماده‌سازی فیلمخانه آورده پیش از این لادن طاهری، مدیر فیلمخانه ملی از تخصیص بیش از سه میلیارد تومان

فیلمخانه ملی به ساختمان جدید خود در محله باغ‌فردوس تهران منتقل شود. ایسنا در گزارشی با بررسی تأخیر در آماده‌سازی فیلمخانه آورده پیش از این لادن طاهری، مدیر فیلمخانه ملی از تخصیص بیش از سه میلیارد تومان

مشکلی برای تکمیل این پروژه به این ترتیب به پایان‌رسیدن مراحل عمرانی، تجهیزشدن ساختمان برای انتقال فیلمخانه آغاز می‌شود و طاهری امیدوار است «نیازی برای تأمین تجهیزات از خارج از کشور نباشد تا بر اساس دانش داخلی و ملی فیلمخانه ملی ایران تجهیز شود.»مدیر فیلمخانه ملی ایران همچنین درباره از سرگیری نمایش فیلم‌های این مرکز برای مخاطبان خود که از پاییز سال۱۳۸۶ متوقف شده است، گفت: یکی از دلایل اصلی توقف این کار منابع بود، اما نکته مهم فعلا این است که در آن زمان تعداد تماشاگران و علاقه‌مندان آتقدری که امروز شاهدیم، نبود و به همین دلیل با توجه به استقبال و علاقه‌مندی‌ای که نشان داده شده، نمایش فیلم‌های خاطره‌انگیز از جمله مسایل مهمی است که بررسی می‌کنیم تا در صورت فراهم‌شدن شرایط بتوانیم برنامه‌ریزی جدیدی داشته باشیم. «فیلمخانه ملی ایران» به‌عنوان یکی از فیلمخانه‌های قدیمی دنیا، بیش از ۴۰سال قدمت دارد و زنده‌یاد فرخ غفری- سینماشناس، منتقد و کارگردان- بانی اصلی تشکیل آن بوده است.

چندی‌قبل طاهری با اشاره به نمایش فیلم «گاو» داریوش مهرجویی، در زمانی مناسب خبر داد: در حال برنامه‌ریزی هستیم تا چندفیلم قدیمی دیگر را برای نمایش آماده کنیم و منتظریم در زمان لازم برای اصلاح و مرمت مجموعه، فیلم‌هایی که ارزیابی می‌شوند، مشخص شود تا براساس آن، زمانبندی برای نمایش فیلم‌ها تعیین و بعد اسامی آنها اعلام شود.



نمایی از فیلم «هامون و دریا»

جشنواره فیلم کودک

آسیب‌شناسی سینمای کودکان و نوجوانان سهم مدیران در افول سینمای کودک

در بین گونه‌های سینمایی، «سینمای کودک و نوجوان» با ژانرهای دیگر یک‌تفاوت اساسی دارد. برخلاف دیگر ژانرها (که همگی براساس موضوع یا لحنشان شکل گرفته‌اند) سینمای کودک و نوجوان تنها گونه سینمایی است که براساس مخاطبانش طبقه‌بندی شده. بر این اساس، فیلم‌ها به هر ژانری تعلق داشته باشند، می‌توانند مخاطبان خود را در میان اقشار مختلف جامعه بیابند؛ اما سینمای کودک و نوجوان فقط درصورت ارتباط با مخاطبان از پیش تعیین‌شده‌اش می‌تواند به حیات خود ادامه دهد. این تنها یکی از دلایل اهمیت اکران فیلم‌های سینمای کودک و نوجوان است. از همین‌رو است که وقتی بای اینگونه سینمایی در حیطه اکران می‌لنگد، باید به حیات طبیعی آن شک کرد.

بیش از دو دهه است که سینمای کودک و نوجوان ایران از اکران منظم و گسترده فیلم برای مخاطبان تشنه‌اش محروم است. شاید در طول ۲۰سال گذشته، تعداد فیلم‌های مطلوب کودکان و نوجوانان که رنگ پرده را دیده‌اند، به ۱۰فیلم هم نرسده اما در مقابل بیش از ۴۰۰فیلم داریم که یا هرگز اکران نشده‌اند یا با اکرانی «سرهم‌بندی‌شده» به حیاتشان خاتمه داده شده. این درحالی است که در دوره طلایی سینمای کودک و نوجوان کشورمان (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) هرسال فیلم‌های متعددی (که تقریبا همه‌شان محصول بخش خصوصی بودند) برای این گروه از مخاطبان نمایش درمی‌آمدند که نوعا بسیار پرمخاطب بودند؛ درحالی‌که با افول



فیلم «خانه دوست کجاست»

این دوران، بخش خصوصی که دیگر تولید فیلم برای کودکان و نوجوانان را اقتصادی نمی‌دید، با پس کشید و میدان را به بخش دولتی سپرد که برای سرخ نگه‌داشتن صورت سینمای کودک، با تولید فیلم‌هایی که به مذاق مخاطبان خوش نمی‌آمد، هرسال سیلی‌های متعددی به گونه آن نواخت. فیلم‌های بسیاری تولید شدند که سرنوشتشان از قبل رقم خورده بود؛ نمایش در جشنواره برای تظاهر به زنده‌بودن سینمای کودک، سپرده‌شدن به انبار فیلم نهادهای دولتی و... دیگر هیچ.

اکران فیلم‌های سینمای کودک و نوجوان، از منظر صنعتی نیز اهمیتی استراتژیک دارد. کودکان و نوجوانانی که به سینمارفتن عادت می‌کنند و در سال‌های بعد، وجود مخاطب برای سینما را تضمین می‌کنند. طیف وسیعی از پدرها و مادرهایی که این روزها فرزندان خود را برای دیدن «شهر موشها ۲» به سینما می‌برند، همان کودکانی هستند که در دوره طلایی سینمای کودک، طعم خوش دیدن فیلم‌های جذاب در سالن‌های سینما کاشان را شیرین کرده بود. اما در دوده گذشته، بسیاری از کودکان، بی‌بهره از تماشای لذتبخش فیلم‌های محبوبشان، به نوجوانی، جوانی و بزرگسالی رسیدند و جای خالی این لذت استثنایی برای همیشه در گنجینه تجربه‌ها و خاطراتشان خواهد ماند.

اما به‌راستی مشکل از کجاست و مقصر اصلی در این میان کیست؟ سینماگران، سیاست‌گذاران و مدیران فرهنگ، با پدرها و مادرها؟ به اعتقاد من، در افول سینمای کودک و نوجوان کشورمان، سیاست‌گذاران و مدیران سینمایی، بسیار بیشتر از دیگران تقصیر دارند و تقصیر دارند. همان‌طور که رشد و اعتلای این گونه سینمایی در آن سال‌ها مرهون مدیریت‌ی آگاه، لسلور، بابرنامه و مصمم بود، افول آن نیز بی‌شک ناشی از سیاست‌های غلط برخی مدیران است.

بسیاری از سیاستگذاران و مدیران سینمایی به غلط فکر می‌کنند



فیلم «دوده»

بهار، حاصل گل‌هایی است که باغیان می‌کارند؛ توجه ندارند که حقیقت، درست عکس این است: وقتی بهار می‌آید، همه‌جا غرق شکوفه و گل می‌شود. اینها به یک‌نکته ساده بی‌توجهند: اگر می‌خواهی پارلی زیبا درست کنی، ابتدا باید تصویری زیبا ترسیم کنی و بعد آن را به تکه‌های کوچک‌تر تقسیم کنی؛ اینها متوجه نیستند که اگر تکه‌های پازل را بدون ارتباط با هم ترسیم کنی، وقتی آنها را کنار هم بچینی، حاصل کار، تصویری بی‌معنا و نازیبا خواهد بود که بیننده‌اش را ناامید خواهد کرد. این مدیران کاربایله به‌جای اینکه راه را برای حضور سینماگران و توفیق آثارشان در اکران عمومی هموار کنند، سر در لاک خود فرومی‌برند و خود لاد را به دوسه‌فیلمی که سفارش تولید آن را می‌دهند، خوش می‌کنند و عجیب اینجاست که نه از تجربه‌های مدیران موفق گذشته، الهام می‌گیرند و نه از شکست‌های مدیران ناموفق گذشته، عبرت.

راز موفقیت سینمای کودک و نوجوان در دوره طلایی آن را می‌توان در عناصر زیر جستجو کرد: حضور مدیریتی که می‌دانست سینما را سینماگران می‌سازند و کار او فقط این است که فضا را برای فعالیت آنها آماده کند؛ مدیریتی که سینمای کودک و نوجوان را یکضرورت می‌دانست و برای راهاندازی و توسعه آن طرح جامعی درانداخته و به همه اجزای لازم پرداخته بود؛ مدیریتی که به تولید اکران، جشنواره، جذب و فعال کردن نهادهای مرتبط با سینمای کودک و نوجوان (مثلا آموزش و پرورش) و... توجه شایسته و بایسته داشت؛ مدیریتی که اعتقاد داشت در تولید بدون حضور فعال بخش خصوصی و در اکران بدون حضور مخاطبان مشتاق، نمی‌شود راه به جایی برد و به سرمنزل مقصود رسید.

می‌گویند «ماهی از سر گنده گردد، نی ز دم»؛ «گنده» را چه به معنی «بزرگ» بگیرید و چه به معنی «گندیده»، تفاوتی حاصل نمی‌شود. سر ماهی است که سرنوشتش را تعیین می‌کند. و شاعری سروده است:

به انتظار تصویر تو

این دفتر خالی

تا چند

تا چند

ورق خواهد خورد؟